

پرده دار و پشت پرده

امیر فیض - حقوقدان

مناسبت این تحریر سفر درمانی پادشاه عربستان به آمریکاست

سخن بزرگی است که میگوید «اگر میخواهی دینی رابشناسی، ببین، پیروانش چه میکنند»
بایک مثال این تحریر شروع شود راحت تر است.

طیبی رادرنظر بگیرید که حاذق ترین طیب در جهان خلقت است بی نیاز از مال و مهربان است این طیب یک منشی دارد که بسیار به او نزدیک است که حتی پرده داری آن طیب را هم عهده دار است و تنها اوست که تا اینقدر به آن طیب نزدیک است «مقام پرده داری کعبه و شاه عربستان» سرایدار خانه طیب است همه میهمانان آن طیب با اجازه او به دیدار طیب میایند و دیگر چیزها.

این پرده دار مریض میشود با آنکه ارباب مقتدر او حاذق ترین اطباء جهان خلقت است و با آنکه نیازی هم آن طیب به حق الزحمه ندارد مهربان هم هست و خیلی هم منشی اش را دوست دارد که به مقامات رسانده و منشی هم میداند که اگر نوکر آن طیب نبود به جانی نمیرسیدالا یک عرب و لگردد، معهذاً اربابش را رام میکند و می رود به کشور کفری که اربابش ساکنین آن کشور را منفور و نجس میداند و از اطباء آن کشور کفر درمان خواهی میکند در حالیکه دینش میگوید خدا زحمت میدهد و شفاهم از اوست، اوست که میمیراند و زنده میکند.

برداشت

این جریان نشان اثباتی دارد بر اینکه، خدای دینی با خدای علم تفاوت دارد، نشان میدهد که مردم حتی نزدیکترین فرد به خداهم به قول و قرارها و حذافت خدای دین، اعتباری نمیدهد، نشان میدهد که خدای دینی فقط حرف و وعده داده است ولی خدای علم عمل میکند، نشان میدهد که خدای دین متوقف است ولی خدای علم متحرک است، نشان میدهد که خدای علم یکایک ادعاهای خدای دینی را رد میکند، ادعای خلق انسان از خاک ادعای خلق زمین اول و بعد آسمان ها را پوچ میبیند. چنانکه در آخرین تفحصات علمی ثابت شده است که جهان تقریباً ۱۴ میلیارد سال قبل در اثر واقعه ای که کیهان شناسان به آن انفجار بزرگ نام نهاده اند بوجود آمده است و میسرند به این دستاورد علمی که راز خلقت نه آن است که خدای ادیان مدعی است.

این ادعا به همینجا ختم نمیشود که یکی را مقدم و دیگری را مؤخر دانسته و قضیه را تمام شده تلقی کنیم اگر خدای دین را خالق و رهبر دین و خدای علم را خالق و رهبر علم بگیریم بین آن دو از ابتدای بوجود آمدن علم نزاع مخفی و آشکار وجود داشته است و ممکن است در ابتدا خدای ادیان بر خدای علم غلبه داشته و پیروان علم با زجر و شکنجه، واحکام ارتداد و کشتار، روبرو شده اند «گالیله»، اما علم و خدای آن، به مرور زمان در جهت و با سرعتی براه افتادند که جانی برای تنفس خدای دین باقی نگذاشتند البته همواره این پیشروی ها و پیروزی ها با احتیاط کامل به پیش میرفت زیرا حساسیت

دین، به پیشرفتهای علم، که موجب محور دین و تضعیف موقعیت وجودی خدای دین میگردد، تعصبات خونینی رادری داشت یکی از این موارد که مورد استناد این تحریر است همین مسئله بروز بیماری و درمان آن است زیرا دینداران راعقیده بر این بود که بیماری ها بعلت گناهان است که به حکم خدا بر بنده خدا نازل میشود و درمان آن هم دست خداست که با تصریح و دعا بر طرف میگردد، این نظریه تا آنجا استحکام داشت که حتی دین، کالبد شکافی مرده راهم ممنوع ساخته بود. کلا میتوان خواند و دید که هر چیزی و هر حرکتی که از قدرت خدای دین میکاهید ممنوع شناخته میشد حتی فعالیت ساحران و جاودگران که یک کار علمی سطحی محسوب میشد بامجازات های سخت مواجه شد.

ولی امروز می بینیم که با همه سختگیری و مقاومت، دین در مقابل علم، و تراشیدن خدای دین، بوسیله خدای علم، سریع و تند و باشتاب در حال پیشرفت است و حتی در همین مقابله خدای دین و خدای علم پیروان دین در راستای بیماری و درمان از خدای دین روی بر تافته و به علم و خدای آن متوسل شده و میشوند.

در کشور خودمان هریک از متولیان ادعای دین که احساس ناراحتی میکنند راهی کشورهای کفر میشوند و هر چه هم برای این عمل خود دلیل بیاورند جای این دلیل بزرگ را پر نمیکند که به حرفهای خدای دین اعتمادی ندارند، این بدان معنی نیست که مزاحمت های دینی با بی اعتمادی به خدای دین و روی آوردن به علم بکلی پایان یابد، برای اینکه علم بکلی به مزاحمت های دینی پایان بدهد نیاز به زمان دارد زیرا علم برای تکامل و پوشش باورهای دینی مردم، نیاز به زمان دارد. نیاز به زمان دارد تا جای نیازمندی های انسان هارا که دین پرمیکرد با علم و دستاورهای علمی مشخص و روشن پر کند.

نتیجه گیری

نیاز جدی به مبارزه جهانی بادی و پیروان آن دیده نمیشود بلکه تقویت جبهه علم و نزدیک ساختن دستاورد های علمی کافی است که مزاحمت های دینی خود بخود بر طرف گردد یکی دومورد، بعنوان مثال بدنیت:

مزاحمت دینی خزینه حمام

یکی از مزاحمت های سخت دینی استفاده از آب خزینه بود که سخت در مقابل ترقیات علم ایستادگی میکرد و آنها که یادشان هست میدانند که پیروان اسلام در ایران تا چه حد از جایگزینی آب لوله و دوش حمام گریزان بوده اند آیا اکنون هم همان مزاحمت ها و باورها وجود دارد و حتی آخوندهای مدعی آن روز حاضرند از آب خزینه های آن روز بجای حمام های دوش استفاده کنند؟

مزاحمت دینی تابلو

یکی از مزاحمت های دیگر استفاده از تابلو در سر مغازه ها بود که در دوران سلطنت رضاشاه کبیر بسیار کوشیده شد تا این مزاحمت دینی را مردم فراموش کنند آیا امروز که حکومت اسلامی است این مزاحمت را میتواند حفظ کند؟

یک روز در یک غذا فروشی <Fast Food فست فود> خانواده ای را دیدم که مرد آن خانواده باریش بلند و سر تراشیده و همسرش با حجاب اسلامی و دختر خردسالش باروسری بسته و لباس بلند در حال خوردن <هات داگ Hot Dog> آنهم با ولع خاصی بودند نزدشان رفتم سلام کردم همانطور با دهان پر گفت آقا بس شما ایرانی هستید گفتم آری ایرانی مسلمان

وخواستم بنابر تکلیف اسلامی امر به معروف و نهی از منکر به برادرم بگویم که این غذا که شما میل میکنید از گوشت خنزیر و حرام است. گفت آقا حواله خیلی خوشمزه است > گفتم ولی خوشمزه جواب خدارانمیدهد گفت: >ای بابا این حرفها چیه، خدا خودش می بخشه >

در اینجا می بینیم که پیروان اسلام حتی خداراهم فدای مزه هات داگ میکنند. حال از خودمان سوال کنیم که آیامثلا در ۷۰ و یا ۱۰۰ سال قبل، هم ممکن بود کسی به این راحتی و علنی مزه رابا امر خدا جابجا کند.

بهرچیز که نگاه کنید، علم، دین رادر خود چنان حل کرده که در برخی موارد حتی اثری هم از آن باورها و مزاحمتها ی دینی نمیتوان دید، این تکامل و این پیروزی نتیجه مبارزه جهانی با ادیان خاصه اسلام نیست حاصل پیشروی علم است. دانش و فراگیری علم، دین رامیساید و بجای آن روکش دائمی علم رامیکشد.

این بدان معنا نیست که همه منتظر پیروزی نهانی علم و شکست دائمی دین و مزاحمت های آن باشیم بلکه باید میدان رابرای فراگیری علم آماده و از دستاوردهای آن استقبال و آنرا به پیروان ادیان که بهرحال مانند ما انسان هاستند ارمغان کرد.

البته که این تز و فورمول نسبت به همه ادیان و مذاهب نمیتواند یکسان عمل کند گرچه این فورمول نسبت به اسلام که سخت ترین و حساسترین ادیان و پیروان متعصب دارد، باموفقیت در جریان حرکت است ولی در جامعه تشیع ایران موانع بزرگی در غلبه علم بر مزاحمت های مذهبی وجود دارد که به امید سیر طبیعی علم نشستن تنها کافی نیست .

**

*